



# Entekhab Clinic



[www.entekhabclinic.com](http://www.entekhabclinic.com)

دکتر مریم باقری



Dr\_maryam.bagheri



[Telegram.me/dr\\_maryambagheri](https://Telegram.me/dr_maryambagheri)



09021999201

09021999202



دستورالعمل :

پاسخگوی گرامی : لطفاً قبل از پاسخ دادن به نکات زیر توجه فرمایید:

ین پرسشنامه دارای 370 عبارت است. لطفاً عبارات را به دقت بخوانید و پاسخی که به بهترین نحو، نظر شما را در رابطه با آن عبارت نشان می‌دهد با پاسخ بلی و خیرو با عدد ( ۱ ) علامت بزنند.

جنسیت لطفاً جنسیت خود را با نوشتن عدد یک زیر جنسیت خودتان ثبت نماید

زن مرد

تحصیلات: سن: نام و نام خانوادگی:

شغل:

شماره عبارات بلی خیر

1	مجلات مکانیکی را دوست می‌دارم.
2	اشتهایم خوب است.
3	بیشتر روزهای تر و تازه و استراحت کرده از خواب بیدار می‌شوم.
4	فکر می‌کنم که از کار کتابداری خوشم می‌آید.
5	با کوچکترین صدا از خواب بیدار می‌شوم.
6	پدرم مرد خوبی است ( در صورت فوت ) پدرم مرد خوبی بود.
7	از خواندن مقالات جنایی در روزنامه‌ها خوشم می‌آید.
8	دست و پایم معمولاً به اندازه کافی گرم اند.
9	زندگی روزانه ام پر از چیزهایی است که مرا علاقه مند نگه می‌دارد.
10	به همان اندازه در انجام کار قدرت دارم که قبلاً داشتم.
11	بیشتر وقت‌ها مثل این که چیزی در گلوبیم وجود دارد.
12	زندگی جنسی ام رضایت بخش است.
13	مردم باید در فهم رویاهای خود بکوشند، براساس آن عمل کنند و یا از آنها اندرز گیرند.
14	از داستان‌های پلیسی و مرموز لذت می‌برم.
15	تحت فشار زیاد کار می‌کنم.
16	گاه به چیزهای خیلی بدی فکر می‌کنم که نمی‌توان درباره آنها صحبت کنم.
17	مطمئنم که در زندگی کلاه سرم می‌رود.

دکتر مریم باقری



[www.entekhabclinic.com](http://www.entekhabclinic.com)



Dr\_maryam.bagheri



[Telegram.me/dr\\_maryambagheri](https://Telegram.me/dr_maryambagheri)



09021999201

09021999202



- مشکل تهوع و استفراغ دارم. 18
- وقتی شغل جدیدی می گیرم ، دوست دارم بدانم که در این کار چه کسی مهم است تا خود را به او نزدیک کنم. 19
- به ندرت دچار یبوست می شوم. 20
- بعضی وقت ها خیلی دلم خواسته خانه وزندگی را ترک گویم. 21
- مثل این که هیچکس مرا درک نمی کند. 22
- گاه آنچنان به خنده یا گریه می افتم که نمی توانم جلوی خودم را بگیرم. 23
- بعضی وقت ها ارواح شیطانی تسخیرم می کند. 24
- دوست دارم خواننده شوم. 25
- موقعی که به دردسر می افتم ، ترجیح می دهم دهانم را ببندم و حرفی نزنم. 26
- اگر کسی به من بدی کند ، حس می کنم فقط به خاطر تلافی باید در صورت امکان همان بلا را سرش بیاورم. 27
- هفتة ای چند بار به علت ناراحتی معده دچار مشکل می شوم. 28
- گاهی وقتها دلم می خواهد فحش بدهم. 29
- هر چند شب یک بار دچار کابوس می شوم. 30
- مشکل است حواسم را روی کار یا شغلی متمرکز سازم. 31
- تجربه های مخصوص و عجیب و غریبی در زندگی داشته ام. 32
- به ندرت نگران سلامتی ام هستم. 33
- به خاطر فتارهای جنسی ام هیچ گاه دچار دردسر نشده ام. 34
- در جوانی ، گاه دزدی می کردم. 35
- بیشتر اوقات سرفه می کنم. 36
- بعضی وقت ها دلم می خواهد چیزهایی را بشکنم. 37
- دوره هائی به مدت چند روز ، چند هفته و با چند ماه وجود داشته که کاری انجام نداده ام ، زیرا دست و دلم بکار نمی رفته. 38
- خوابیم آشفته و نا آرام است. 39
- بیشتر وقت ها بنظر می رسد که تمام سرم درد می کند. 40
- همیشه راست نمی گویم. 41





اگر مردم برایم نمی زدند ، بیشتر از این ها موفقیت داشتم.	42
قدرت قضاوتم بهتر از هر وقت دیگر است.	43
در هفته ، یک یا چند بار ، ناگهان بدون دلیل مشخصی احساس داغی در تمام بدنم می کنم.	44
به اندازه اغلب دوستانم از سلامت جسم برخوردارم.	45
ترجیح می دهم از کنار دوستان دوران تحصیلی و یا اشخاصی که آنها را می شناسم ولی مدت ها است آنها را ندیده ام رد شوم و حرفی نزنم مگر آن که اول آنها ابراز آشنایی کنند.	46
تقریباً هیچ وقت در ناحیه قلب و یا سینه احساس درد نمی کنم.	47
بیشتر وقت ها ترجیح می دهم بنشینم و خیال بافی کنم تا این که کاری دیگر انجام دهم.	48
آدم خیلی اجتماعی هستم.	49
غالباً مجبور بوده ام دستورات کسی را اطاعت کنم که به اندازه من نمی دانسته است.	50
تمام سرمقاله های یک روزنامه را هر روز نمی خوانم.	51
به شیوه درستی زندگی نکرده ام.	52
غالباً در قسمت هایی از بدنم احساسی مثل سوزش ، قلقلک ، مورمورشدن و یا خواب رفتن می کنم.	53
خانواده ام از شغلی که انتخاب کرده ام (یا از شغلی که تصمیم به انتخاب آن برای تمام عمردارم ) خوششان نمی آید.	54
گاه روی مسئله ای آن قدر پا فشاری می کنم که دیگران تحمل شان را نسبت به من از دست می دهند .	55
کاش به اندازه ای که دیگران دلشاد به نظر می رسند ، خوشحال بودم.	56
خیلی به ندرت پشت گردنم احساس درد می کنم.	57
فکر می کنم بسیارند مردمانی که برای جلب توجه و همدردی دیگران بدینه های خود را بزرگ تر جلوه می دهند.	58
هر چند روز یک بار یا بیشتر در عمق معده ام احساس ناراحتی می کنم.	59
وقتی با دیگران هستم صدای عجیبی می شنوم که مرا ناراحت می کند.	60
شخص مهمی هستم.	61
اغلب آرزو کرده ام کاش دختر بودم ( یا اگر دختر هستید) از این که دخترم هیچ گاه احساس تاسف نکرده ام.	62





احساسم به آسانی جریحه دار نمی شود.	63
از خواندن داستان های عاشقانه لذت می برم.	64
بیشتر اوقات غمگینم.	65
بهتر بود اگر تمام قوانین را دور می ریختند.	66
شعر را دوست دارم.	67
گاه حیوانات را آزار می دهم.	68
فکر می کنم از کار جنگلبان خوشم بباید.	69
در جر وبحث با دیگران به سادگی مغلوب می شوم.	70
در این روزها امید مهم شدن خود را در آینده ، به سهولت از دست می دهم.	71
گاه روح از بدنم می رود.	72
واقعاً اعتماد به نفس ندارم.	73
دوست دارم گلفروش باشم.	74
معمولاً احساس می کنم که زندگی با ارزش است.	75
قبولاندن حقیقت به مردم جر وبحث بسیار می خواهد.	76
هر چند وقت یکبار کار امروز را به فردا می افکنم.	77
اکثر کسانیکه مرا می شناسند ، از من خوششان می آید.	78
اگر مسخره ام کنند اهمیت نمی دهم.	79
کاش پرستار بودم.	80
فکر می کنم اکثر مردم برای ترقی کردن متوجه به دروغ گوئی می شوند.	81
کار هائی زیادی از من سر می زند که بعداً از انجام آنها پشیمان می شوم ( به نظر می رسد پشیمانی من بیش از دیگران است. )	82
با افراد خانواده ام به ندرت جر وبحث می کنم.	83
دو سه باری به دلیل سوء رفتار ، از مدرسه اخراج شده ام.	84
بعضی وقت ها به انجام کاره های مضر وناراحت کننده علاقمند می شوم.	85
دوست دارم به مهمانی و مجالس بزن و بکوب بروم.	86
با مسائلی برخورد کرده ام که راه حل های متعدد داشته اند و من نتوانسته ام درباره آنها تصمیم بگیرم	87

دکتر مریم باقری



[www.entekhabclinic.com](http://www.entekhabclinic.com)

Dr\_maryam.bagheri



[Telegram.me/dr\\_maryambagheri](https://Telegram.me/dr_maryambagheri)



09021999201

09021999202



معتقدم که زنان باید به اندازه مردان آزادی جنسی داشته باشند.	88
سخت ترین مبارزات من با خودم است.	89
پدرم را دوست دارم ( ودر صورت فوت ) پدرم را دوست می داشتم.	90
خیلی کم از پرش وانقباض عضله ناراحت می شوم.	91
اهمیت نمی دهم چه بر سرم می آید.	92
هر وقت حالم خوب نیست کج خلق می شوم.	93
بیشتر وقتها احساس می کنم کاری خلاف وشیطانی انجام داده ام.	94
بیشتر اوقات خوشحالم.	95
اشیاء ، حیوانات و یا افرادی را در اطراف خودم می بینم که دیگران نمی بینند.	96
مثل اینکه بیشتر وقتها سرم سنگین و یا دماغم گرفته است.	97
بعضی ها چنان رئیس مابند که حتی وقتی می دانم حق با آنهاست دلم می خواهد خلاف دستورشان عمل کنم.	98
کسی در کارم کارشکنی می کند.	99
هیچگاه کار خطرناکی را به جهت هیجان آن انجام نداده ام.	100
اغلب احساس می کنم که نواری محکم دور سرم بسته شده.	101
گاه عصبانی می شوم.	102
از بازی یا مسابقه ورزشی زمانی بیشتر لذت می برم که روی آن شرط بندی می کنم.	103
درستکاری بیشتر مردم بخاراطر ترس از رسوائی است.	104
در مدرسه بعضی وقت ها به سبب رفتار ناپسند به دفتر مدیر احضار می شد.	105
لحن کلامم مثل همیشه است ( نه تند ، نه آهسته ، نه جویده و نه گرفته )	106
آداب غذا خوردنم در خانه ، بخوبی زمانی نیست که با دیگران در خارج از خانه غذا می خورم.	107
هر کس که بتواند وبخواهد زیاد کار کند ، شانس زیادی برای موفقیت دارد.	108
مثل اینکه تقریباً به اندازه اطرافیانم لایق و با هوش هستم.	109
برای کسب منفعت یا حفظ یک موقعیت ، اکثر مردم حاضرند دست به تقلب هم بزنند.	110
دچار ناراحتی شدید معده هستم.	111
هنر های دراماتیک ( نمایش ، تاثر وغیره ) را دوست دارم.	112
می دانم مسئول اغلب گرفتاری هایم کیست.	113





- 114 گاه چنان شیفته وسایل خصوص دیگران ، چون کفش ، دستکش وغیره می شوم که دلم می خواهد آنها را بردارم ویا به سرقت برم ، حتی اگر مصرفی برایشان نداشته باشم.
- 115 منظره خون نه مرا می ترساند ونه حالم را بهم می زند.
- 116 اغلب اوقات نمی توانم بفهم چرا تا این حد عصبی وبد خلق شده ام.
- 117 هیچوقت با استفراغ ویا سرفه ، خون بالا نیاورده ام.
- 118 از ابتلا به بیماری نگران نیستم.
- 119 از جمع آوری گل وپرورش گیاه خانگی خوشم می آید.
- 120 مکرراً متوجه شده ام که باید برای آنچه صحیح می پندرام مبارزه کنم.
- 121 هیچگاه به اعمال غیر عادی جنسی دست نزده ام.
- 122 گاه افکارم سریتعز آن پیش رفته که بتوانم آنها را بیان کنم.
- 123 اگر بتوانم بدون خرید بلیط وارد سینما شوم و مطمئن باشم کسی متوجه نمی شود این کار را می کنم.
- 124 وقتی کسی کار خوبی در حق من انجام می دهد ، غالباً درباره دلیل پنهانی و خصوصی وی در انجام آن کار شک می کنم.
- 125 گمان دارم زندگی خانوادگی ام به خوشی زندگی اغلب کسانی است که می شناسم.
- 126 به اجرای قاطع قانون معتقدم.
- 127 انتقاد یا سرزنش مر ابشدت می رنجاند.
- 128 دوست دارم آشپزی کنم.
- 129 اعمال اطرافیان ، رفتار مراتحدی زیادی تحت تاثیر قرار می دهد.
- 130 گاه واقعاً احساس می کنم آدم بی فایده ای هستم.
- 131 در بچگی من و گروه دوستانم سعی می کردیم در همه مشکلات نسبت به هم وفادار باشیم.
- 132 به زندگی پس از مزگ معتقدم.
- 133 دوست دارم یک سرباز باشم.
- 134 گاه دلم می خواهد با کسی کتك کاری کنم.
- 135 اغلب اوقات چون نتوانسته ام به اندازه کافی سریع تصمیم بگیرم ، چیزهای را ز دست داده ام.
- 136 وقتی در حال انجام کاری مهم هستم ، اگر کسی سوالی از من کند ویا بخواهد به نحوی مزاحم کارم شود ، از کوره در می روم.





عادت داشتم خاطرات روزانه ام را یادداشت کنم.	137
به نظرم علیه من توطئه می شود.	138
ترجیح می دهم در بازی برنده باشم تابازنده.	139
اغلب شبها بدون فکر یا خیال ناراحت کننده به خواب می روم.	140
در چند سال اخیر، اغلب اوقات سلامت بوده ام.	141
هیچوقت دچار حمله یا تشننج نشده ام.	142
وزنم نه زیاد است و نه کم.	143
فکر می کنم کسی در تعقیب است.	144
خيال می کنم اغلب بی جهت تنبیه می شوم.	145
به آسانی به گریه می افتم.	146
چیزهایی را که می خوانم به خوبی گذشته نمی فهمم.	147
هیچوقت حالم بهتر از حال نبوده است.	148
گاهی احساس می کنم که فرق سرم حساس شده است.	149
بعضی وقتها احساس می کنم انگار باید خودم یا دیگری را مجروح کنم.	150
خیلی ناراحت می شوم اقرار کنم کسی توانسته زیرکانه سرم را کلاه گذارد.	151
زود خسته نمی شوم.	152
دوست دارم افراد سرشناس را بشناسم زیرا شناخت آنها احساس مهم بودن به من می دهد.	153
وقتی از بلندی به پایین نگاه می کنم می ترسم.	154
از گرفتاری قانونی هیچ یک از اعضاء خانواده ام ناراحت نمی شوم.	155
فقط زمانی که از این طرف به آن طرف سیر و سیاحت می کنم ، دلشادم.	156
طرز فکر دیگران درباره من ناراحتم نمی کند.	157
از مسخره بازی در میهمانی ناراحت می شوم ، حتی اگر دیگران دست به چنین کاری زنند.	158
هیچوقت غش نکرده ام.	159
مدرسه را دوست داشتم.	160
برای آنکه معلوم نشود آدم خجولی هستم ، با ید مرتبًا با خود مبارزه کنم	161
کسی سعی در مسموم کردنم داشته است.	162
از مار زیاد نمی ترسم.	163





هیچوقت یا به ندرت دچار سرگیجه می شوم.	164
حافظه ام خوب است.	165
درباره مسائل جنسی نگران هستم.	166
به هنگام آشنا شدن با افراد جدید ، سر صحبت باز کردن برایم سخت است.	167
در زندگی ام دوره هائی وجود دارد که در آن دست به کارهای زده ام ، بدون آنکه بدانم چه کرده ام.	168
وقتی حوصله ام سر می رود ، دلم می خواهد شلوغ کنم.	169
می ترسم عقلم را از دست بدهم.	170
باپول دادن به گدا مخالفم.	171
وقتی می خواهم کاری انجام دهم ، غالباً متوجه می شوم که دستم می لرزد.	172
می توانم مدتی طولانی مطالعه کنم ، بدون آنکه چشم خسته شود.	173
دوست دارم راجع به کارهای که انجام می دهم مطالعه کنم.	174
بیشتر اوقات در تمام تنم احساس ضعف می کنم.	175
خیلی کم دچار سردرد می شوم.	176
مهارت و دقت دستهایم کم نشده.	177
گاه که از چیزی خجالت می کشم خیلی عرق می کنم واز این حیث ناراحت می شوم.	178
در حفظ تعادل به هنگام راه رفتن تاکنون مشکلی نداشته ام.	179
در ذهنم اختلالی وجود دارد.	180
تا به حال تنگی نفس یا آسم نداشته ام.	181
حمله هائی به من دست داده که طی آن نمی توانستم حرکات و گفتار خود را کنترل کنم ، ولی در عین حال می دانستم در اطرافم چه می گذرد.	182
همه کسانی را که می شناسم دوست می دارم.	183
خیلی کم خیالبافی می کنم.	184
کاش این قدر خجالتی نبودم.	185
از انجام امور مالی ترس ندارم.	186
اگر خبرنگار بودم دوست می داشتم اخبار تئاتر را گزارش کنم.	187
از بازی و سرگرمیهای مختلف لذت زیاد می برم.	188





از لاس زدن خوشم می آید.	189
اطرافیانم با من مثل یک بچه رفتار می کنند تا فردی بالغ.	190
دلم می خواهد روزنامه نگار باشم.	191
مادرم زن خوبی است ( و در صورت فوت ) مادرم زن خوبی بود.	192
هنگام راه رفتن خیلی سعی می کنم روی شکاف پیاده رو پا نگذارم.	193
روی پوستم جوشی نزدہ و ترکی نخورده که موجب نگرانیم شود.	194
محبت وصمیمت در خانواده من، در مقایسه با سایر خانواده ها خیلی کمتر است.	195
غالباً از چیزی دلواپسی دارم.	196
فکر می کنم کار یک مقاطعه کار ساختمان را دوست دارم.	197
اغلب اوقات صدای می شنوم که نمی دانم از کجا می آید.	198
به علم علاقمندم.	199
برایم مشکل نیست از دوستان کمک بخواهم ، حتی اگر نتوانم محبت ایشان را جبران کنم.	200
از شکار خیلی خوشم می آید.	201
والدینم اغلب نسبت به اشخاصی که با آنها معاشرت داشتم اعتراض می کردند.	202
گاه کمی غیبت می کنم.	203
حس شنوائی من ظاهراً بخوبی سایرین است.	204
بعضی از افراد خانواده عادتی دارند که سبب ناراحتی و عصبانیت زیاد من می شود.	205
گاهی اوقات احساس می کنم به شکلی غیر عادی و خیلی سهل تصمیم می گیرم.	206
دوست دارم عضو چند باشگاه باشم.	207
به ندرت متوجه می شوم که قلبم تنده می زند و خیلی هم کم دچار تنگی نفس می شوم.	208
دوست دارم درباره مسائل جنسی حرف بزنم.	209
دوست دارم به جاهائی که ندیده ام سفر کنم.	210
برنامه زندگی به من الهام شده است که تا کنون براساس وظیفه ، آنرا به دقت دنبال کرده ام.	211
بعضی وقتها سد راه دیگران شده ام ، نه به دلیل اهمیت کارشان بلکه بخاطر اصول.	212
زود عصبانی می شوم ولی زودهم فروکش می کنم.	213
کاملاً مستقل و آزاد از مقررات خانواده بوده ام.	214
خیلی غصه می خورم.	215





کسی سعی کرده جیبیم را بزند.	216
تقریباً همه خویشاوندانم با من همدردند.	217
گاه آنچنان بی قرارم که نمی توانم مدتی طولانی یک جا بنشینم.	218
در عشق نامیدشده ام.	219
هرگز از قیافه ام نگرانی ندارم	220
اغلب چیزهایی به خواب می بینم که بهتر است نزد خود محترمانه نگهدارم.	221
نکات مهم امور جنسی را باید به کودکان آموخت.	222
معتقدم که بیش از دیگران عصبی نیستم.	223
خیلی کم درد دارم ، یا اصلاً ندارم.	224
روشن من برای انجام کارها ، سبب سوء تعبیر دیگران می شود.	225
گاهی اوقات بدون هیچ دلیلی و حتی هنگامی که اوضاع ناجور است نشاط فراوان به من دست می دهد و خود را برپرداز ابرها احساس می کنم.	226
کسانی را که می خواهند خواسته هایشان را در این دنیا به هر قیمتی که شده به چنگ آورند ، ملامت نمی کنم.	227
هستند افرادی که سعی دارند عقایدم را بدزدند.	228
گاه چنان دچار بہت وحیرت شده ام که سبب وقفه در کارم گشته و نمی دانسته ام در اطرافم چه می گذرد.	229
می توانم با کسانی که کارهایشان به نظر من اشتباه است رفتاری دوستانه داشته باشم.	230
دوست دارم در جمیعی باشم که با یکدیگر شوخی و مزاح می کنند.	231
گاهی اوقات در انتخابات به کسانی رای می دهم که درباره شان اطلاع خلیی کمی دارم.	232
شروع هر کاری برایم مشکل است.	233
معتقدم آدمی نفرین شده ام.	234
در مدرسه دیر درس را یاد می گرفتم.	235
اگر نقاش بودم دوست داشتم گل بکشم.	236
از اینکه چهره زیباتری ندارم ، ناراحت نیستم.	237
حتی در روزهای خنک هم زود عرق می کنم.	238
کاملاً اعتماد به نفس دارم.	239





گاهی اوقات دزدی نکردن و یا کش نرفتن چیزی از مغازه برایم غیر ممکن بوده است.	240
مطمئن تر است که به هیچ کس اعتماد نکنم.	241
هفته ای یکبار یا بیشتر بشدت هیجان زده می شوم.	242
وقتی در میان جمع هستم ، یافتن مطلب مناسب برای صحبت برایم مشکل است.	243
وقتی دلم می گیرد ، غالباً یک چیز هیجان انگیز می تواند از آن حالت بیرونم آورد.	244
وقتی که خانه را ترک می کنم نگران قفل بودن در و بسته بودن پنجره ها نیستم.	245
معتقدم که گناهانم بخشنودنی نیستند.	246
یک یا چند جای پوستم بی حس است.	247
وقتی دیگران خودشان اجازه سوءاستفاده می دهند ، من فردی را که از آنها سوءاستفاده می کند راملامت نمی کنم.	248
قدرت بینائی ام بخوبی سالهای قبل است.	249
بعضی وقتها آنقدر مجدوب زیرکی بعضی از مجرمین شده ام که آرزو می کردم گیر نیفتند.	250
اغلب احساس کرده ام که غریبه ها انتقاد آمیز به من نگاه می کنند.	251
مزه همه چیز برایم یکسان است.	252
روزانه بطور غیر عادی مقدار زیادی آب می نوشم.	253
اکثر مردم دوست می گیرند ، چون احتمالاً دوستان برایشان مفید خواهند بود.	254
خیلی کم متوجه شده ام که گوششایم زنگ بزنند و یا وزوز کنند.	255
گاهی اوقات نسبت به افراد خانواده ام که معمولاً دوستشان دارم ، احساس تنفر می کنم.	256
اگر خبرنگار بودم دوست داشتم خبرهای ورزشی را گزارش کنم.	257
در طول روز می توانم بخوابم ولی شبها خوابم نمی برد.	258
مطمئن هستم پشت سرم غیبت می کنند.	259
گاه به شوخی های مستحجن و بی ادبی می خندم.	260
در مقایسه با دوستانم کمتر می ترسم.	261
هر گاه در جمیع از من خواسته شود درباره موضوعی که از آن آگاهم بحث و اظهار نظر کنم ، خجالت نمی کشم.	262
وقتی می بینم جنایت کاری بوسیله دفاع یک وکیل زبردست از مجازات رهایی می یابد از قانون بیزار می شوم.	263





در نوشیدن مشروبات الکلی افراط کرده ام.	264
احتمالاً با مردم صحبت نمی کنم مگر آنکه آنها سر صحبت را با من باز کنند.	265
هیچ گاه با قانون در گیری نداشته ام.	266
بعضی وقت ها بدون هیچ دلیل خاصی احساس سرحال بودن می کنم.	267
کاش افکار مربوط به مسائل جنسی ناراحتمند نمی کرد.	268
اگر برای چند نفر گرفتاری پیش آید بهترین کار این است که داستانی بسازند و همگی درباره آن یک جور اظهار نظر کنند.	269
از مشاهده رنج کشیدن حیوانات ناراحت نمی شوم.	270
فکر می کنم احساساتم از بیشتر مردم شدیدتر است.	271
هیچ وقت در زندگی از عروسک بازی خوشنام نیامده.	272
اغلب اوقات زندگی برایم فشار آور است.	273
در بعضی از مسائل آنقدر حساسیت دارم که نمی توانم درباره آنها حرف بزنم.	274
صحبت کردن در مقابل کلاس در مدرسه خیلی برایم مشکل بود.	275
مادرم را دوست دارم ( و در صورت فوت ) مادرم را دوست داشتم.	276
حتی وقتی هم با دیگران هستم غالباً احساس تنهائی می کنم.	277
از همدردی دیگران به حد کافی برخوردار می شوم.	278
از شرکت در بعضی بازیهایی که خوب بلد نیستم امتناع می ورم.	279
بنظر می رسد من نیز به سرعت دیگران دوست پیدا می کنم.	280
دوست ندارم اطرافم شلوغ باشد.	281
به من گفته اند که در خواب راه می روم.	282
کسی که بخارط محافظت نکردن از اشیا ارزشمندی ، دزدی را برای سرقت وسوسه می کند ، به اندازه دزد قابل سرزنش است.	283
فکر می کنم تقریباً همه مردم برای فرار از گرفتاری متولّ به دروغ می شوند.	284
من حساس تر از بیشتر مردم هستم.	285
اغلب مردم باطنًا دوست ندارند برای کمک به دیگران قدمی بردارند.	286
اغلب خواههای من درباره موضوعات جنسی است.	287
والدین و اعضاء خانواده ام بیش از حد لزوم از من ایراد می گیرند.	288





به آسانی شرمنده ( خجالت زده ) می شوم.	289
نگران در آمدوکارم هستم.	290
هرگز عاشق کسی نشده ام.	291
کارهایی که بعضی از افراد خانواده ام انجام داده اند مرا ترسانده است.	292
تقریباً هیچ وقت خواب نمی بنینم.	293
روی گردنم اغلب لکه های سرخ دیده می شود.	294
هیچ وقت دچار فلچ یا ضعف غیر عادی عضلانی نشده ام.	295
گاه بی آنکه سرما خورده باشم صدایم می گیرد و قادر به تکلم نمی باشم.	296
اکثراً پدرم و مادرم حتی در مواردی که غیر منطقی به نظرم می رسید مجبور به اطاعتمن می گردند.	297
گاه بوهای عجیب و خاصی به مشامم می رسد.	298
نمی توانم فکرم را روی یک موضوع متمرکز کنم.	299
دلیل دارم که نسبت به یک یا چند تن از اعضاء خانواده ام احساس حسادت کنم.	300
بیشتر اوقات درباره کسی یا چیزی احساس اضطراب می کنم.	301
به آسانی حوصله ام از دیگران سر می رود.	302
اغلب اوقات آرزو می کنم کاش مرده بودم.	303
بعضی وقتها چنان هیجان زده ام که مشکل به خواب می روم.	304
مسلماً بیش از سهم خود ، در مورد چیز ها نگران بوده ام.	305
دیگران به آنچه بسر انسان می آید اهمیت چندانی نمی دهند.	306
گاه گوشم چنان خوب می شنود که نگران می شوم.	307
آنچه را که دیگران به من می گویند بلافصله فراموش می کنم.	308
معمولاً باید قبل از انجام کاری ، هر قدر کوچک وبی اهمیت ، مکث کنم و به تفکر پردازم.	309
در خیابان اغلب مسیرم را تغییرمی دهم تا با کسی که می شناسم روی نشوم.	310
اغلب احساس می کنم که اشیا عواقعی نیستند.	311
تنها قسمت جالب روزنامه بخش فکاهیاتش است.	312
به شمردن چیزهای بی اهمیت مثل تیر چراغ برق ولامپ وغیره عادت دارم.	313
دشمنانی ندارم که واقعاً بخواهند به من آسیب برسانند.	314





در مقابل اشخاصی که بیش از حد انتظارم رفتاری دوستانه با من دارند ، حالت دفاعی به خود می گیرم.	315
افکار عجیب و خاصی دارم.	316
وقتی که باید برای مسافرت کوتاهی از خانه خارج شوم ، مضطرب و ناراحت می شوم.	317
معمولًاً انتظار دارم در انجام کارهایم موفق شوم.	318
وقتی تنها هستم صدای عجیبی می شنوم.	319
از اشخاص یا چیزهایی که می دانم نمی توانسته اند به من صدمه ای زنند ، ترسیده ام.	320
از این که سر خود وارد اطلاقی شوم که دیگران جمع اند و مشغول گفتگو ، ترسی ندارم.	321
از بکار بردن چاقو و یا هر چیز خیلی برنده و نوک تیز می ترسم.	322
گاه از اذیت کردن کسانی که دوستشان دارم لذت می برم.	323
به آسانی می توانم دیگران را از خود بترسانم و گاه این کار را عنوان تفریح انجام می دهم.	324
به نظر می رسد که بیشتر از دیگران در تمرکز فکر دچار اشکال می شوم.	325
از آنجائی که به توانایی خود اعتماد نداشته ام بارها از انجام کار منصرف شده ام.	326
لغات بد و غالباً خیلی زشت به فکرم می رساند و نمی توانم آنها را از سر بیرون کنم.	327
گاهی اوقات فکری بی اهمیت به ذهنم خطور می کند و چندین روز آزارم می دهد.	328
تقریباً همه روزه اتفاقی می افتد که مرا می ترساند.	329
گاه سرشار از انرژی و نیرو هستم.	330
معمولًاً کارها را سخت می گیرم.	331
چه بسا کسی که دوستش دارم آزارم داده ، ولذت هم برده ام.	332
مردم حرفهای بد و توهین آمیز درباره من می زنند.	333
در جای سر پوشیده و در بسته احساس ناراحتی می کنم.	334
بیشتر از حد معمول کمرو و خجالتی نیستم.	335
کسی روی فکرمن کنترل دارد.	336
در میهمانی ها بیشتر تنها و یا کنار فقط یک نفر دیگر می نشینم و به جمع ملحق نمی شوم.	337
غالباً از مردم مایوس می شوم.	338
بعضی اوقات احساس کرده ام مشکلات آنچنان انبوه و زیادند که نمی توانسته ام بر آنها فائق آیم.	339





رفتن به مجالس رقص را دوست دارم.	340
بعضی اوقات به نظر می رسد که فکرم کندتر از معمول کار می کند.	341
در اتوبوس قطار وغیره که هستم اغلب با افراد غریبه حرف می زنم.	342
از مصاحبت کودکان لذت می برم.	343
از قمار کردن برسر چیز های کوچک خوشم می آید.	344
اگر موقعیتی به من داده شود ، می توانم کارهای بسیار سودمند برای جهان انجام دهم.	345
بارها کسانی را ملاقات کرده ام که در کار متخصص تلقی می شدند ولی بهتر از من نبودند.	346
وقتی خبر موفقیت کسی را که خوب می شناسم می شنوم ، احساس شکست می کنم.	347
اغلب فکر می کنم « کاش دوباره بچه می شدم. »	348
هیچگاه مثل زمانی که تنها یم شاد نیستم.	349
اگر فرصت مناسبی به چنگ آورم رهبر خوبی برای مردم می شوم.	350
از داستانهای زشت و دور از ادب خجالت می کشم.	351
مردم معمولاً برای حقوق خود احترام بیشتری قائلند تا برای حقوق دیگران.	352
از حضور در اجتماعات فقط برای بودن با مردم لذت می برم.	353
سعی می کنم داستانهای خوب را به خاطر بسپارم تا آنها را برای دیگران باز گو کنم.	354
یکی دوباردرزندگی احساس کرده ام که کسی می خواسته بوسیله هیپنوتیزم ( خواب کردن ) مرا وادار به انجام کاری نماید.	355
برايم مشکل است کاري را به عهده گرفته ام ، حتى برای مدت کوتاهی کنار بگذارم.	356
اغلب در جريان صحبتها وغيت هاي گروهي که به آن تعلق دارم ننيستم.	357
غالباً مردم به ايده هاي خوب من حسادت می ورزند فقط به خاطر آن که چرا قبلاً به ذهن خودشان خطور نكرده بود.	358
از هيچان گروه واجتمعات لذت می برم.	359
از ملاقات غریبه ها با کی ندارم.	360
کسی سعی کرده افکارم را تحت تاثير قرار دهد.	361
به ياد می آورم که با تظاهر به بیماری ، خودرا ازانجام کاری خلاص کرده ام.	362
وقتی که در جمع دوستان دل زنده هستم به نظر می رسد که نگرانی هایم رفع می شود.	363
وقتی با شرایط سخت ودشواری روپرتو می شوم دلم می خواهد زود آن را ول کنم.	364





- 365 دلم می خواهد دیگران موضع مرا در مسائل بدانند.
- 366 گاهی از اوقات آن قدر سرشار از انرژی و نیرو بوده ام که احساس می کردم تا چندین روز پشت سرهم احتیاج به خواب ندارم.
- 367 در صورت امکان از حضور در جمع اجتناب می کنم.
- 368 از رویاروئی با بحران و مشکلات دوری می جویم.
- 369 اگر به نظر دیگران کاری را که قصد انجامش را دارم ، بی ارزش است ، حاضرم از آن صرف نظر کنم.
- 370 از میهمانی و گرد همایی لذت می برم.



[www.entekhabclinic.com](http://www.entekhabclinic.com)

دکتر مریم باقری



Dr\_maryam.bagheri



[Telegram.me/dr\\_maryambagheri](https://Telegram.me/dr_maryambagheri)



09021999201

09021999202